

بررسی تأثیرات و دلایل جرم گرایی اطفال و نوجوانان در شهرستان خوی

شبیم کاردار^۱

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، کارشناس قراردادهای، شهرداری خوی، خوی، ایران.

نام نویسنده مسئول:

شبیم کاردار

چکیده

رشد ۱۵ درصدی بزهکاری اطفال و نوجوانان شهرستان خوی در مقایسه با سه سال گذشته و ناتوانی و یا شاید سهل انگاری خانواده ها و همچنین مسئولین ذی ربط در پیشگیری از جرم گرایی هر چه بیشتر آنها، لزوم بررسی و ریشه یابی علل بزهکاری در این شهرستان را موجب شده است. این پژوهش با هدف شناخت علل بزهکاری اطفال و نوجوانان شهرستان خوی و همچنین ارائه راهکارهای عملی مناسب جهت ممانعت و پیشگیری زودرس از طریق خانواده های این شهر از گرایش اطفال و نوجوانان به بزهکاری انجام گرفته است. در این پژوهش با استفاده از تحقیقات میدانی، و به روش تحلیلی و توصیفی پرداخته شده است و از یک سو با روش آمار توصیفی و استنباطی به بررسی ویژگی ها و مشکلات اطفال و نوجوانان بزهکار شهرستان خوی و خانواده های آنان پرداخته شده و از سوی دیگر با بررسی شرایط خانواده های اطفال و نوجوانان غیر بزهکار و موفق این شهر، به ارائه الگوها و پیشنهادات مناسب تربیتی اقدام شده است. به منظور گردآوری اطلاعات اقدام به توزیع پرسشنامه بین دو گروه بزهکار و سالم و مقایسه شرایط زندگی آنها با یکدیگر کرده ایم. نتایج مطالعات این پژوهش نشان می دهد که عمده ترین علت بزهکاری اطفال و نوجوانان بزهکار شهرستان خوی ریشه در خانواده دارد. این افراد دارای خانواده هایی با مشکلات و کاستی های بسیار زیادی می باشند که در بزهکاری آنها تأثیر مستقیمی دارند. بنابراین اگر اقدامات اصلاحی از طریق مراجع قانونی، دولتی، اجتماعی و ... در جهت آموزش و حمایت از خانواده ها و ارزش و بها دادن به نقش و تأثیر خانواده ها در آینده در جهت پیشگیری زودرس از بزهکاری صورت بگیرد، می توان نقش خانواده ها را در پیشگیری از گرایش فرزندان به بزهکاری افزایش داد.

واژگان کلیدی: جرم گرایی، اطفال، نوجوانان، خانواده، شهرستان خوی.

۱. مقدمه

موضوع پژوهش فوق در مورد بررسی دلایل انحراف گرایی اطفال و نوجوانان شهرستان خوی می باشد و نقش خانواده به عنوان مانع بزهکاری اطفال و نوجوانان مطرح می باشد. در شهرستان خوی عوامل گوناگون با تاثیر گذاری های متغیر خود در جنبه های مختلف زندگی اطفال و نوجوانان در گرایش آنها بسوی بزهکاری نقش مهمی را ایفا می کنند. این عوامل عبارتند از: شرایط نامساعد و آلوده ی خانواده در نتیجه ی ناسازگاری، فساد و انحرافات اخلاقی، طلاق و جدایی، تبعیض و کمبود محبت و... و همچنین مهاجرت، فقر اقتصادی، دوستان ناباب، وسایل ارتباط جمعی آلوده. اطفال و نوجوانان وابستگی عجیبی به اعضای خانواده ی خود دارند و به سرعت خلق و خو، رفتار و منش درست و یا نادرست آنها، کودکان را تحت تاثیر قرار می دهد. کودکان شهرستان خوی، آداب و رسوم، نحوه برخورد و ارتباط با محیط و اعضای خانواده یا جامعه و به طور کلی نحوه بسیاری از کنش ها و واکنش های اجتماعی را در دوران کودکی از والدین کسب می کند و تمامی این موارد نشان دهنده ی تاثیر گذاری شگرف خانواده در اعمال و رفتارهای آینده ی کودکان این شهر می باشد [۱]. اکثر اطفال و نوجوانان بزهکار شهرستان خوی اوایل زندگی خود را با پاکي و دوری از هرگونه فساد و بزهکاری سپری می کنند ولی ناگهان روزی در نتیجه ی مواجهه با آلودگی ها و انحرافات خانوادگی، اجتماعی و... راهی را جز گرایش به سوی بزهکاری نمی یابند. ریشه ی بسیاری از دردهای اطفال و نوجوانان این شهر در خانواده ی آنها است نه خود آنها از اینرو باید به دنبال راهی بود که از ارتکاب روزافزون جرایم در این شهرستان جلوگیری کرد. مرهم بسیاری از دردهای اطفال و نوجوانان این شهرستان نیز در دستان اعضای خانواده، بویژه والدینشان می باشد. زیرا آنها اخلاق و منش، شخصیت و هویت خویش را در محیط خانه و در بین اعضای خانواده ی خویش در نتیجه ی مشاهده ی اعمال و رفتارهای آنها کسب می کنند [۲]. با توجه به روند پژوهش می توان این سوالات را مطرح کرد که آیا می توان رابطه ای بین شرایط اقتصادی خانواده و گرایش نوجوانان شهرستان خوی به سوی بزهکاری پیدا کرد؟ و آیا عوامل اجتماعی نقشی در گرایش نوجوانان شهرستان خوی به سوی بزهکاری دارند؟ و آیا محیط سالم و بدور از هر گونه فساد و آشفته گی و... خانواده می تواند مانعی در مقابل انحراف گرایی اطفال و نوجوانان شهرستان خوی باشد؟ در این پژوهش سعی خواهد شد یکایک عواملی را که در بزهکاری اطفال و نوجوانان شهرستان خوی نقش ایفا می کنند، شناسایی و مورد بررسی قرار بگیرند و به سوالات مطرح شده پاسخ داده شده و از سوی دیگر با بررسی اعمال و رفتارهای خانواده های سالم و غیر بزهکار این شهر در مقابل اطفال و نوجوانانشان، علل عدم گرایش فرزندان آنها، به سوی جرم و بزهکاری مورد شناسایی و بحث و بررسی قرار داده خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه بزهکاری اطفال و نوجوانان پایان نامه ها و مقالات عدیده ای نگاشته شده است که عبارتند از: فخرالدین کشمیری پایان نامه ای در سال ۱۳۷۴ با عنوان بررسی عوامل بزهکاری اطفال و نوجوانان نگاشته اند. علیرضا ناصریان مقاله ای در سال ۱۳۷۶ در مورد زمینه ها و عوامل بزهکاری اطفال و نوجوانان نوشته اند. توران روزبهانی در سال ۱۳۷۸ پایان نامه ای با عنوان نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان (با تکیه بر نظم در خانواده) نگاشته اند. حسن زنگویی در سال ۱۳۷۸ پایان نامه ای با عنوان بررسی علل بزهکاری نوجوانان پسر سال سوم راهنمایی ناحیه ۷ مشهد نگاشته اند. زهره قاسم خانی مقاله ای در سال ۱۳۸۶ در مورد علل بزهکاری اطفال و نوجوانان نوشته اند. فریده نظام آبادی در سال ۱۳۸۸ پایان نامه ای در مورد بررسی عوامل موثر بر بزهکاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت اراک با تکیه بر نظریه جامعه پذیری نگاشته اند. صمصام الله یاری در سال ۱۳۸۸ پایان نامه ای در مورد بررسی عوامل بزهکاری نوجوانان پسر شهرستان شاهین شهر دوره ی متوسطه تحصیلی نگاشته اند.

۴. مبانی نظری پژوهش

۱.۴. مفاهیم لغوی و اصطلاحی

طفل: در فرهنگ لغت طفل به معنای کوچک از هر چیز، کودک، بچه، نوزاد، بچه کوچک انسان، پسر یا دختر خردسال، صغیر، فرزندی که به حد بلوغ نرسیده (پسر یا دختر). جمع: اطفال [۳]. در تعریف کودک گفته شده است: الطُّفْلُ: الولدُ ما دام ناعماً، طفل تا زمانی گفته می شود که فرزند بدنش نرم باشد. در مبانی حقوقی اسلام معمولاً از آغاز تولد تا حدود ۱۲ تا ۱۳ سالگی را دوران کودکی می نامند و به دوره قبل از دبستان و بعد از دبستان تقسیم می کنند. در یک تقسیم بندی دیگر، کودک را طی ۲ دوره مورد مطالعه قرار می دهند. دوره قبل از تمیز از ولادت تا ۷ سالگی و دوره بعد از تمیز و تشخیص از ۷ سالگی تا ظهور بلوغ (صبی ممیز). کودک یا صغیر در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد. در ایران در سال های اخیر مفهوم «طفل» دچار ابهام و آشفته گی فراوانی شده به گونه ای که در حال حاضر به جای یک تعریف واحد از کودک، تعاریف متعددی وجود دارد [۴].

نوجوان: به معنی پسر و دختری که تازه پا به مرحله جوانی گذاشته می باشد (۱۰ تا ۱۹ سالگی). دایره المعارف بریتانیکا، نوجوانی را به عنوان دوره‌ای بین کودکی و بزرگسالی، حالت جوان شدن، رسیدن به بزرگسالی تعریف کرده است [۵]. برخی از صاحب نظران معتقدند، نوجوانی حدود سنی ۱۲ تا ۱۸ سالگی را دربرمی گیرد و مرحله انتقال از دوران طفولیت به دوره جوانی است. در این مرحله فرد نه تنها از لحاظ فیزیولوژیک درخود تغییراتی می بیند، از لحاظ فکری و نوع نگرش به زندگی در او تغییراتی ایجاد می گردد [۶]. در کتب قانونی تعریفی از مرحله نوجوانی نشده است ولی کتاب قانون محدوده سنی بلوغ را که همزمان با دوره نوجوانی است را مشخص کرده و سن بلوغ در پسر را پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری دانسته است [۷]. در تعاریفی که از نوجوانی به عمل آمده است، گذر از کودکی به بزرگسالی با تغییر شرایط جسمی و روانی مشهود است [۸]. نوجوانی با ظهور بلوغ جنسی آغاز می شود و با خاتمه نگرانی‌ها و ناراحتی‌های آن خاتمه می یابد. گروهی دیگر نوجوانی را برزخی میان نیاز به وابستگی به بزرگسالان و بی‌نیازی و وابستگی به خویشتن تعریف کرده‌اند [۹].

خانواده: در فرهنگ لغت خانواده به معنای خاندان، خیل خانه، تبار، دوده، دودمان، اهل خانه، زن و فرزند، فامیل، مجموعه افراد دارای پیوند نسبی و سببی [۱۰]. خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن، تأمین سلامت روانی برای سه دسته است؛ زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان و ایجاد آمادگی برای برخورد و رویارویی با پدیده‌های اجتماعی است [۱۱]. خانواده را گروهی متشکل از افراد، دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می کنند که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مردی تشکیل می دهد [۱۲]. اساس تشکیل آن این است که زن و مردی می کوشند اراده خود را بر تأسیس آن و قبول تکالیفی که شرع برای آنها معین کرده است، محقق سازند. بر این اساس خانواده یک تأسیس حقوقی به حساب خواهد آمد که اعضای آن با رشته خونی با هم پیوند پیدا می کنند. جامعه شناسان خانواده را یک پدیده تاریخی می دانند که از اجتماع کلی جدا نیست [۱۳].

۲.۴. مبانی عام

اکثر اطفال و نوجوانان بزهکار قربانی شرایط نامساعد و آشفته ی خانواده خود و یا اجتماع شده اند. زندگی در خانواده ای که اعضای آن هر روز به خاطر مواجه شدن با ناسازگاری‌ها، فساد و انحراف گرایي‌ها، اعتیاد، طلاق و جدایی‌ها، مرگ و غم‌ها و... با ضرب و شتم، داد و فریاد، شکستن در و پنجره و حتی شکستن دست و پای یکدیگر، روز را به شب و شب را به روز می رسانند، روزی طاقت‌ها را طاق، سکوت‌ها را تبدیل به خشم، کتک خوردن‌ها را تبدیل به کتک زدن، گریه‌ها را تبدیل به فریاد و در نهایت گوشه گیری‌ها را تبدیل به فرار از زندان خانه خواهد کرد. مشکلات ناشی از بی پولی و فقر نیز کودکان و نوجوانان را از رسیدن به آرزوهایشان محروم می کنند و حسرت پوشیدن لباس تازه، خوردن غذاهای لذیذ، خریدن رایانه و گوشی، داشتن خانه ای زیبا و... را در دل‌های آنها می گذارند و آنها را مجبور به سپری کردن ایام با کوله باری از مشکلات و عقده‌ها می کنند و در نهایت آنها را مجبور به عصیان برای دست یافتن به آرزوهایشان و دست یافتن به شرایط مطلوب می کنند [۱۴]. مواجه شدن با مشکلات روحی، کودکان و نوجوانان را به جای پناه بردن به خانواده به سوی محیط‌های اجتماعی می کشاند. با افراد ناباب باب دوستی را می گشایند، بر سر کوچه‌ها جولان می دهند، از کشیدن اولین نخ سیگار خوشحال می شوند و با خوردن مشروب و مصرف مواد مخدر آرام می گیرند. از تماشای فیلم‌ها و برنامه‌های غیر اخلاقی لذت می برند و در نهایت روزی با طناب محیط‌های اجتماعی آلوده و افراد فاسد، در چاه فلاکت و بدبختی می افتند [۱۵]. از جمله عوامل اساسی شکل گیری شخصیت و منش فردی و اجتماعی کودک خانواده است. خانه محلی است که کودک در آن امور مختلف را فرا می گیرد و طرز معاشرت با دیگران را می آموزد. در این محیط است که اخلاق، راه زندگی و فلسفه اجتماعی منعکس می شود و بسیاری از رفتارهای آدمیان چه رفتارهای صحیح و ستودنی و چه رفتارهای نادرست از محیط خانواده کسب می گردد. فرد آداب و رسوم، نحوه برخورد و ارتباط با محیط و اعضای خانواده یا جامعه و به طور کلی نحوه بسیاری از کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی را در دوران کودکی از والدین کسب می کند. وضعیت فرد از نظر طبقه خانوادگی، موقعیت اجتماعی خانواده، بهنجار یا نابهنجار بودن آن در آینده و رفتار فرد تأثیرمی گذارد. بنابراین روشن است که خانواده‌ها با وجود چنین تاثیر زیاد در کودکان، در صورتی که دارای کارکردی مطلوب باشد، بهترین نهاد برای پیشگیری از انحراف فرزندان خود به سوی کژرفتاری‌ها و انجام جرم می باشند [۱۶].

۳.۴. مبانی خاص

هر چند عوامل گوناگون با تاثیرگذاریهای متغیر خود باعث گرایش اطفال و نوجوانان شهرستان خوی بسوی جرم می گردند. ولی مهمترین علت بزهکاری کودکان این شهر ریشه در خانواده دارد. اکثر این افراد با متاثر شدن از اوضاع و احوال نا به سامان، نامتعادل و فاسد خانواده هایشان، در نتیجه ی وجود عوامل گوناگونی چون: اختلافات خانوادگی، پرخاشگری و تنبیه، کمبود و نبود محبت، افراط در محبت، کثرت اولاد و مشکلات ناشی از آن، طلاق و جدایی، اعتیاد، فساد و انحراف گرایي اعضای خانواده و اجبار، تشویق، ترغیب و... فرزندان‌شان به سوی انحراف گرایي و... به سوی انجام اعمال بزهکارانه کشیده می شوند. در مقابل، خانواده‌های سالم و غیر بزهکار شهرستان خوی، از یک سو با اصلاح رفتارهای نادرست خود و از سوی دیگر با اعمال روشهایی مطابق با اصول تربیتی و اخلاقی همچون: محبت به اعضای خانواده،

برقراری دوستی و صمیمیت بین اعضای خانواده، عدم اعمال تبعیض بین فرزندان، تقویت و اعمال ارزش های دینی و اخلاقی در زندگی، جلوگیری از تحریک جنسی فرزند، احترام گذاشتن و حفظ شخصیت، پرهیز از اعمال خشونت، علاقه مند ساختن فرزندان به تحصیل و مدرسه، خودداری از افراط و تفریط در کنترل و نظارت، مراجعه به مشاوران و افراد با تجربه ی فامیل به منظور راهنمایی جستن از آنها توانسته اند امنیت و آرامش مورد نیاز را به فرزندانشان اعطا و آنان را تبدیل به افرادی سالم و به هنجار کنند [۱۷].

۵. روش تحقیق

در این پژوهش با استفاده از تحقیقات میدانی، و به روش تحلیلی و توصیفی پرداخته شده است و از یک سو با روش آمار توصیفی و استنباطی به بررسی ویژگی ها و مشکلات اطفال و نوجوانان بزهکار شهرستان خوی و خانواده های آنان پرداخته شده و از سوی دیگر با بررسی شرایط خانواده های اطفال و نوجوانان غیر بزهکار و موفق این شهر، به ارائه ی الگوها و پیشنهادات مناسب تربیتی اقدام شده است. به منظور گردآوری اطلاعات اقدام به توزیع پرسشنامه بین دو گروه بزهکار و سالم و مقایسه شرایط زندگی آنها با یکدیگر کرده ایم.

۶. فرضیه تحقیق

فرضیه اول: بین شرایط اقتصادی خانواده و گرایش اطفال و نوجوانان شهرستان خوی به سوی بزهکاری ارتباط وجود دارد.
فرضیه دوم: بین عوامل اجتماعی و گرایش نوجوانان شهرستان خوی به سوی بزهکاری ارتباط وجود دارد
فرضیه سوم: محیط سالم و بدور از هر گونه فساد و آشفتگی و... خانواده می تواند مانعی در مقابل انحراف گرایی اطفال و نوجوانان شهرستان خوی باشد.

۷. محدوده مورد مطالعه

خوی یکی از کهن ترین مراکز تمدن در شمال غرب ایران و کانون بسیاری از حوادث تاریخی بوده است و به دلیل واقع شدن در مسیر جاده ابریشم و جاده تجارته شرق و غرب، مورد بازدید بسیاری از جهانگردان و ایرانشناسان واقع شده است. جمعیت این شهرستان طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ برابر با ۳۶۵۵۷۳ نفر بوده است که از این تعداد ۱۸۳۵۵۶ نفر آنان مرد و ۱۸۲۰۱۷ نفر آنان زن می باشد شهر خوی در دشتی نسبتا وسیع در شمال غرب ایران واقع شده است و جزء شهرهای استان آذربایجان غربی می باشد. طول جغرافیایی آن ۴۵ درجه و ۱۵ دقیقه و عرض جغرافیایی آن ۳۸ درجه و ۳۷ دقیقه می باشد. این شهر از طرف جنوب به شهر سلماس و از طرف جنوب غرب به خاک ترکیه و از جانب شمال و مغرب به شهرستان ماکو و از جانب مشرق به شهرستان مرند محدود می شود. دشت خوی که آن را به مناسبت پست بودنش "خوی چوخور" می نامند، در حدود چهل و پنج کیلومتر طول و چهل و پنج کیلومتر عرض دارد و در ارتفاع ۱۱۰۳ متر از سطح دریا قرار دارد. این شهر دارای چهار شهر، پنج بخش، چهارده دهستان و دویست و نود و دو آبادی می باشد و فاصله آن از تهران ۷۸۰ و از تبریز ۱۶۵ کیلومتر بوده و جاده ترانزیتی ایران-اروپا از ۳۰ کیلومتری آن عبور می کند.

۸. یافته های تحقیق

۱.۸. متدولوژی تحقیق

به منظور گردآوری اطلاعات، شرایط و اوضاع و احوال زندگی اطفال و نوجوانان سالم و بزهکار و مقایسه ی آن دو با یکدیگر، دو گروه به نامهای گروه بزهکار و گروه سالم و یا شاهد مورد بررسی قرار گرفته شده است. هر گروه متشکل از ۵۰ تن از نوجوانان ۱۴-۱۸ سال می باشد. برای جمع آوری اطلاعات و تنظیم آنها از روش آمار توصیفی و استنباطی استفاده کرده ایم. بعد از گزارش فراوانی و درصد توزیع هر کدام از متغیرها در دو گروه سالم و بزهکار، جهت بررسی و آزمون تفاوت در هریک از متغیرهای اندازه گیری شده در دو گروه نوجوانان سالم و بزهکار، از آزمون کای دو (chi square) استفاده کرده ایم و سطح معنی داری برای آزمون تفاوت توزیع هر کدام از متغیرها در دو گروه، $a = 0.05$ در نظر گرفته شده است. در آزمون تفاوت توزیع هر کدام از متغیرها در دو گروه، فرضیه های مورد آزمون و قاعده ی تصمیم در مورد رد و یا قبول نظریه های مطرح شده بصورت زیر می باشد:

توزیع متغیر در دو گروه بزهکار و سالم یکسان است: H_0

توزیع متغیر در دو گروه بزهکار و سالم یکسان نیست: H_1

که اگر سطح معنی داری یا p-value کمتر از مقدار از پیش تعیین شده $a = 0.05$ باشد مبنی بر رد فرضیه H_0 بوده و حاکی از این است که توزیع متغیر در دو گروه تفاوت معنی داری در سطح 0.05 دارد. به عبارتی می توان گفت که متغیر مورد نظر می تواند عاملی در گرایش به بزهکاری از سوی نوجوانان باشد.

از سوی دیگر، برای بررسی و آزمون تاثیر هر کدام از عوامل پرسیده شده در بزهکاری نوجوانان بزهکار و همچنین تاثیر عوامل مطرح شده در سالم ماندن نوجوانان گروه شاهد یا نوجوانان سالم از آزمون نسبت دو جمله ای (Binomial test) استفاده شده است. سطح معنی داری برای آزمون تفاوت توزیع هر کدام از متغیرها در دو گروه $a = 0.05$ در نظر گرفته شده است. در این آزمون نسبت افراد با گزینه های زیاد و خیلی زیاد در هر سوال مطرح شده با مقدار ثابت ۴۰٪ مقایسه شده است. از آنجا که تعداد گزینه های موجود در هر سوال ۵ گزینه می باشد و اگر هر فرد در پاسخ گویی به آن سوال به گزینه های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد ۴۰٪ پاسخ دهد، می توان آن سوال مطرح شده را عاملی برای بزهکاری فرد بزهکار یا عاملی برای سالم ماندن فرد سالم (زیرا برای افراد سالم سوالات به صورت عکس مطرح شده اند) در نظر گرفت. فرضیه های مورد آزمون و قاعده تصمیم در مورد رد یا قبول فرضیه های مطرح شده بصورت زیر می باشد.

نسبت افراد با گزینه های زیاد و خیلی زیاد کمتر از حد انتظار است. $H_0: p \leq 0.40$

نسبت افراد با گزینه های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار است. $H_0: p \geq 0.40$

که اگر سطح معنی داری یا p-value کمتر از مقدار از پیش تعیین شده $a = 0.05$ باشد مبنی بر رد فرضیه H_0 بوده و حاکی از این است که سوال مطرح شده عاملی در گرایش نوجوانان به بزهکاری می باشد.

۲.۸. ابزار جمع آوری اطلاعات

به منظور گردآوری اطلاعات اقدام به توزیع پرسش نامه در بین دو گروه از نوجوانان بزهکار و سالم (شاهد) ۱۸-۱۴ ساله شهرستان خوی کردیم. پرسش نامه ها متشکل از دو بخش می باشند. بخش اول با ۲۰ سوال، اقدام به پرسیدن سوالات گوناگون در مورد شرایط، اوضاع و احوال زندگی دو گروه کرده است. بخش دوم نیز با ۲۵ سوال پنج گزینه ای از نوجوانان بزهکار و سالم علل انحراف گرایی و عدم گرایش به بزهکاری آنها را مورد بررسی قرار داده است. پاسخ دهندگان به صورت تصادفی انتخاب شده اند و با توجه به سابقه ذهنی و تجربی خود در مقابل هر سوال حق انتخاب گزینه را دارند.

۳.۸. تجزیه و تحلیل آماری داده ها

۱. توزیع فراوانی تعداد خانوار در دو گروه بزهکار و سالم

بیشترین فراوانی در گروه بزهکار مربوط به خانواده های پرجمعیت ۷۲٪ و در گروه سالم مربوط به خانواده های کم جمعیت ۶۶٪ می باشد. برای مقایسه توزیع تعداد خانوار در دو گروه نوجوانان بزهکار و سالم از آزمون کای دو Chi Square test استفاده شده است. مقدار $\chi^2 = 25.52$ و $P\text{-value} = 0.000$ حاکی از تفاوت معنی دار تعداد خانوار در دو گروه بزهکار و سالم می باشد.

۲. توزیع فراوانی تحصیلات والدین در دو گروه بزهکار و سالم

بیشترین فراوانی در گروه بزهکار مربوط به والدین بی سواد و یا دارای مدرک سیکل ۸۴٪ می باشد و در گروه سالم مربوط به والدین دارای مدرک لیسانس و فوق لیسانس ۴۰٪ می باشد. در خانواده هایی با تحصیلات پایین میزان بزهکاری بالاتر بوده است. جهت مقایسه وضعیت تحصیلات در دو گروه از آزمون کای دو استفاده شده و مقدار $\chi^2 = 33.52$ و $P\text{-value} = 0.000$ حاکی از تفاوت معنی دار توزیع تحصیلات در دو گروه بزهکار و سالم می باشد.

۳. توزیع فراوانی وضعیت طبقاتی و مالی در دو گروه بزهکار و سالم

بیشترین فراوانی در گروه بزهکار مربوط به طبقات فقیر ۷۰٪ و در سالم مربوط به طبقات متوسط ۵۶٪ می باشد. در بررسی و مقایسه وضعیت طبقاتی در دو گروه با استفاده از آزمون کای دو، مقدار $\chi^2 = 34.10$ و $P\text{-value} = 0.000$ حاکی از تفاوت معنی دار وضعیت طبقاتی در دو گروه بزهکار و سالم می باشد.

۴. توزیع فراوانی نوع رفتار و روابط سرپرستان با فرزندان در دو گروه بزهکار و سالم

توزیع فراوانی نوع رفتار و روابط سرپرستان با فرزندان در دو گروه بزهکار و سالم را نشان می دهد. بیشترین فراوانی در گروه بزهکار مربوط به بدرفتاری و خشونت نسبت به فرزند ۳۶٪ و در گروه سالم مربوط به مهر و محبت نسبت به فرزند ۹۰٪ می باشد. درمقایسه نوع رفتار و روابط سرپرستان با فرزندان در دو گروه با استفاده از آزمون کای دو، مقدار $\chi^2 = 46.94$ و $P\text{-value} = 0.000$ حاکی از تفاوت معنی دار نوع رفتار و روابط سرپرستان با فرزندان در دو گروه بزهکار و سالم می باشد. نوع رفتار والدین با فرزندان نیز می تواند عاملی در بزهکاری نوجوانان به شمار آید.

۵. توزیع فراوانی نوع روابط والدین با یکدیگر در دو گروه بزهکار و سالم

توزیع فراوانی نوع روابط والدین با یکدیگر در دو گروه بزهکار و سالم را نشان می دهد. بیشترین فراوانی در گروه بزهکار عدم تفاهم و ناسازگاری والدین ۳۶٪ و در گروه سالم مربوط به تفاهم و سازش والدین ۸۰٪ می باشد. درمقایسه نوع رفتار والدین با یکدیگر در دو گروه، مقدار $\chi^2 = 51.26$ حاکی از تفاوت معنی دار نوع رفتار و روابط والدین با یکدیگر در دو گروه بزهکار و سالم می باشد.

۶. توزیع فراوانی وضعیت سلامت اجتماعی خانواده در دو گروه بزهکار و سالم
توزیع فراوانی میزان سلامت اجتماعی خانواده در دو گروه بزهکار و سالم را نشان می دهد. بیشترین فراوانی در گروه بزهکار مربوط به آشفته و نامتعادل ۳۸٪ و در گروه سالم مربوط به سالم و متعادل ۹۴٪ می باشد. درمقایسه سلامت اجتماعی خانواده در دو گروه با استفاده از آزمون کای دو، مقدار $\chi^2=56/65$ و $P\text{-value} = 0/000$ حاکی از تفاوت معنی دار وضعیت سلامت اجتماعی خانواده در دو گروه بزهکار و سالم می باشد
۷. توزیع فراوانی وضعیت روانی سرپرست خانواده در دو گروه بزهکار و سالم
توزیع فراوانی وضعیت روانی سرپرست خانواده در دو گروه بزهکار و سالم را نشان می دهد. بیشترین فراوانی در هر دو گروه بزهکار و سالم مربوط به وضعیت روانی سالم و متعادل می باشد که در گروه بزهکار برابر ۶۸٪ و در گروه سالم ۹۲٪ می باشد. درمقایسه وضعیت روانی سرپرست در دو گروه با استفاده از آزمون کای دو، مقدار $\chi^2=9/53$ و $P\text{-value} = 0/023$ حاکی از تفاوت معنی دار وضعیت روانی سرپرست خانواده در دو گروه بزهکار و سالم می باشد. در نوجوانان سالم، وضعیت روانی سالم و متعادل بیشتر از نوجوانان بزهکار بوده و در نوجوانان بزهکار وضعیت پرخاشگرانه نسبت به نوجوانان سالم بیشتر بوده است.
۸. توزیع فراوانی وضعیت کنترل و نظارت توسط سرپرست در دو گروه بزهکار و سالم
توزیع فراوانی وضعیت کنترل و نظارت توسط سرپرست در دو گروه بزهکار و سالم را نشان می دهد. بیشترین فراوانی در گروه بزهکار مربوط به آزادی مطلق با ۵۸٪ و در گروه سالم نبود سخت گیری و آزادی متعارف با ۸۰٪ می باشد. درمقایسه وضعیت کنترل و نظارت توسط سرپرست در دو گروه با استفاده از آزمون کای دو، مقدار $\chi^2=51/95$ و $P\text{-value} = 0/000$ حاکی از تفاوت معنی دار وضعیت کنترل و نظارت توسط سرپرست در دو گروه بزهکار و سالم می باشد
۹. توزیع فراوانی نوع برنامه های مورد علاقه در رسانه های جمعی در دو گروه
توزیع فراوانی نوع برنامه های مورد علاقه در رسانه های جمعی در دو گروه بزهکار و سالم را نشان می دهد. بیشترین فراوانی در گروه بزهکار مربوط به برنامه های عشقی- جنسی با ۵۲٪ و در گروه سالم برنامه های خانوادگی با ۴۶٪ می باشد. درمقایسه نوع برنامه های مورد علاقه در رسانه های جمعی در دو گروه با استفاده از آزمون کای دو، مقدار $\chi^2=18/19$ و $P\text{-value} = 0/000$ حاکی از تفاوت معنی دار نوع برنامه های مورد علاقه در رسانه های جمعی در دو گروه بزهکار و سالم می باشد
۱۰. توزیع فراوانی وضعیت اشتغال به تحصیل در دو گروه بزهکار و سالم
توزیع فراوانی وضعیت اشتغال به تحصیل در دو گروه بزهکار و سالم را نشان می دهد. بیشترین فراوانی در گروه بزهکار مربوط به ترک تحصیل با ۵۲٪ و در گروه سالم مشغول به تحصیل ۸۴٪ می باشد. ۱۴٪ از بزهکاران محروم از تحصیل بوده اند در صورتیکه هیچکدام از نوجوانان سالم، محروم از تحصیل یا بیسواد نبوده اند. درمقایسه وضعیت اشتغال به تحصیل در دو گروه با استفاده از آزمون کای دو، مقدار $\chi^2=27/12$ و $P\text{-value} = 0/000$ حاکی از تفاوت معنی دار وضعیت اشتغال به تحصیل در دو گروه بزهکار و سالم می باشد
- با توجه به یافته های جدول ۱، ۴۱ نفر از ۵۰ نفر (۸۲٪) از افراد بزهکار میزان سطح در آمد خانواده ها را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۱۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۴٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $P\text{-value}=0.000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت پایین بودن سطح در آمد خانوار عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۸ نفر از ۵۰ نفر (۵۶٪) از افراد سالم میزان سطح در آمد خانواده ها را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۱۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۳۰٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $P\text{-value}=0/016$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت پایین بودن سطح در آمد خانوار عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۱: تاثیر درآمد در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیرگذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۰۰	۵۰	۵	۲	۲	۲۰	۲۱	تعداد	پایین بودن سطح درآمد خانواده
	۱۰۰	۱۰	۴	۴	۴۰	۴۲	درصد	
۰/۰۱۶	۵۰	۴	۳	۱۵	۱۲	۱۶	تعداد	پایین نبودن سطح درآمد خانواده
	۱۰۰	۸	۶	۳۰	۲۴	۳۲	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۲، ۲۶ نفر از ۵۰ نفر (۵۲٪) از افراد بزهکار فقدان یا کمبود امکانات رفاهی را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۳۶٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/057$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت فقدان یا کمبود امکانات رفاهی عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۶ نفر از ۵۰ نفر (۴۳٪) از افراد سالم بهره گیری از امکانات رفاهی را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۳۹٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۸٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/23$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت بهره گیری از امکانات رفاهی عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۲: تاثیر فقدان و یا بهره گیری از امکانات رفاهی در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیرگذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۵۷	۵۰	۱۱	۷	۶	۱۴	۱۲	تعداد	فقدان یا کمبود امکانات رفاهی
	۱۰۰	۲۲	۱۴	۱۲	۲۸	۲۴	درصد	
۰/۲۳	۵۰	۴	۱۷	۱۲	۸	۹	تعداد	بهره گیری از امکانات رفاهی
	۱۰۰	۱۵	۲۴	۱۸	۲۲	۲۱	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۳، ۳۲ نفر از ۵۰ نفر (۶۴٪) از افراد بزهکار میزان عدم برخورداری نوجوان از پول توجیبی را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۳۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/001$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت عدم برخورداری نوجوان از پول توجیبی عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۵ نفر از ۵۰ نفر (۵۰٪) از افراد سالم برخورداری از پول توجیبی را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۴۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۸٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/098$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت برخورداری از پول توجیبی عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۳: تاثیر برخورداری و یا عدم برخورداری از پول توجیبی در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیرگذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۰۱	۵۰	۸	۷	۳	۱۶	۱۶	تعداد	عدم برخورداری نوجوان از پول توجیبی
	۱۰۰	۱۶	۱۴	۶	۳۲	۳۲	درصد	
۰/۰۹۸	۵۰	۹	۱۲	۴	۱۲	۱۳	تعداد	برخورداری از پول توجیبی
	۱۰۰	۱۸	۲۴	۸	۲۴	۲۶	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۴، ۲۹ نفر از ۵۰ نفر (۵۸٪) از افراد بزهکار شاغل بودن توام والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۳۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/002$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت شاغل بودن توام والدین عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۲ نفر از ۵۰ نفر (۴۴٪) از افراد سالم شاغل بودن توام والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۳۶٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲۰٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/33$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت شاغل بودن توام والدین عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۴: تاثیر شاغل بودن توام والدین در بزهکاری یا عدم انحراف گرایي از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					تعداد	گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد			
0/002	۵۰	۸	۷	۶	۱۲	۱۷	تعداد	بزهکار	شاغل بودن توام والدین
	۱۰۰	۱۶	۱۴	۱۲	۲۴	۳۴	درصد		
0/33	۵۰	۲	۱۶	۱۰	۱۲	۱۰	تعداد	سالم	شاغل بودن توام والدین
	۱۰۰	۴	۳۲	۲۰	۲۴	۲۰	درصد		

با توجه به یافته های جدول ۵، ۱۲ نفر از ۵۰ نفر (۲۴٪) از افراد بزهکار چند شغلی بودن پدر خانواده را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۵۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/99$ حاکی از قبول فرضیه H_0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد کمتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت چند شغلی بودن پدر خانواده عامل موثری در گرایش به بزهکاری نمی باشد. ۲۳ نفر از ۵۰ نفر (۴۶٪) از افراد سالم شاغل بودن توام والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۴۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۴٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/23$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت چند شغلی نبودن پدر خانواده عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۵: تاثیر چند شغلی بودن و نبودن والدین در بزهکاری یا عدم انحراف گرایي از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					تعداد	گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد			
0/99	۵۰	۱۶	۹	۱۳	۸	۴	تعداد	بزهکار	چند شغلی بودن پدر خانواده
	۱۰۰	۳۲	۱۸	۲۶	۱۶	۸	درصد		
0/23	۵۰	۱۲	۸	۷	۸	۱۵	تعداد	سالم	چند شغلی نبودن پدر خانواده
	۱۰۰	۲۴	۱۶	۱۴	۱۶	۳۰	درصد		

با توجه به یافته های جدول ۶، ۳۶ نفر از ۵۰ نفر (۷۲٪) از افراد بزهکار مهاجرت از روستا به شهر را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۲۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت مهاجرت از روستا به شهر عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۵ نفر از ۵۰ نفر (۵۰٪) از افراد سالم عدم مهاجرت از روستا به شهر را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۳۶٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۴٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/98$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت عدم مهاجرت از روستا به شهر عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۶: تاثیر مهاجرت از روستا به شهر در بزهکاری یا عدم جرم گرایی از دیدگاه دوگروه

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۰۰	۵۰	۴	۷	۳	۱۷	۱۹	تعداد	مهاجرت از روستا به شهر
	۱۰۰	۸	۱۴	۶	۳۴	۳۸	درصد	
۰/۰۹۸	۵۰	۴	۱۴	۷	۱۱	۱۴	تعداد	عدم مهاجرت از روستا به شهر
	۱۰۰	۸	۲۸	۱۴	۲۲	۲۸	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۷، ۲۲ نفر از ۵۰ نفر (۴۴٪) از افراد بزهکار سکونت نوجوان در شهرهای مهاجرنشین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۴۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/33$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت سکونت نوجوان در شهرهای مهاجرنشین عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۲ نفر از ۵۰ نفر (۴۴٪) از افراد سالم سکونت نوجوان در شهرهای مهاجرنشین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۴۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/33$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت سکونت نوجوان در شهرهای مهاجرنشین عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۷: تاثیر سکونت در شهرهای مهاجرنشین در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه دو گروه

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۳۳	۵۰	۱۰	۱۰	۸	۱۱	۱۱	تعداد	سکونت در شهرهای مهاجرنشین
	۱۰۰	۲۰	۲۰	۱۶	۲۲	۲۲	درصد	
۰/۳۳	۵۰	۷	۱۳	۸	۱۰	۱۲	تعداد	سکونت در شهرهای مهاجرنشین
	۱۰۰	۱۴	۲۶	۱۶	۲۰	۲۴	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۸، ۲۹ نفر از ۵۰ نفر (۵۸٪) از افراد بزهکار انتقال پدر و مهاجرت بخاطر کسب مسائل شغلی را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری موثر دانسته اند. ۴۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/008$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت انتقال پدر و مهاجرت بخاطر کسب مسائل شغلی عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۵ نفر از ۵۰ نفر (۵۰٪) از افراد سالم عدم انتقال پدر و مهاجرت بخاطر کسب مسائل شغلی را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/098$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و نسبت افراد با پاسخ های زیاد و خیلی زیاد بیشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و می توان گفت عدم انتقال پدر و مهاجرت به خاطر کسب مسائل شغلی عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۸: تاثیر انتقال و عدم انتقال پدر و مهاجرت بخاطر کسب مسائل شغلی در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۰۸	۵۰	۹	۱۱	۱	۱۳	۱۶	تعداد	انتقال پدر و مهاجرت بخاطر کسب مسائل شغلی
	۱۰۰	۱۸	۲۲	۲	۲۶	۳۲	درصد	
۰/۰۹۸	۵۰	۴	۱۷	۴	۹	۱۶	تعداد	عدم انتقال پدر و عدم مهاجرت بخاطر کسب مسائل شغلی
	۱۰۰	۸	۳۴	۸	۱۸	۳۲	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۹، ۴۷ نفر از ۵۰ نفر (۹۴٪) از افراد بزهکار معاشرت نوجوان با افراد ناباب و منحرف را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۶٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۰٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت معاشرت نوجوان با افراد ناباب و منحرف عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۶ نفر از ۵۰ نفر (۵۲٪) از افراد سالم معاشرت با افراد سالم و به هنجار را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۳۶٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/057$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت معاشرت با افراد سالم و به هنجار عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۹: تاثیر معاشرت و عدم معاشرت با افراد ناباب در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۰۰	۵۰	۰	۳	۰	۲۱	۲۶	تعداد	معاشرت با افراد ناباب و منحرف
	۱۰۰	۰	۶	۰	۴۲	۵۲	درصد	
۰/۰۵۷	۵۰	۸	۱۰	۶	۳	۲۳	تعداد	معاشرت با افراد سالم و به هنجار
	۱۰۰	۱۶	۲۰	۱۲	۶	۴۶	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۱۰، ۴۱ نفر از ۵۰ نفر (۸۲٪) از افراد رسانه های گروهی و وسایل ارتباط جمعی آلوده را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۱۶٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت رسانه های گروهی و وسایل ارتباط جمعی آلوده عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۶ نفر از ۵۰ نفر (۵۲٪) از افراد سالم بهره گیری از وسایل ارتباط جمعی سالم را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۳۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۴٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/057$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت بهره گیری از وسایل ارتباط جمعی سالم عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید. جدول ۱۰: تاثیر رسانه ها در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۰۰	۵۰	۳	۵	۱	۱۶	۲۵	تعداد	رسانه های گروهی و وسایل ارتباط جمعی آلوده
	۱۰۰	۶	۱۰	۲	۳۲	۵۰	درصد	
۰/۰۵۷	۵۰	۶	۱۱	۷	۹	۱۷	تعداد	بهره گیری از وسایل ارتباط جمعی سالم
	۱۰۰	۱۲	۲۲	۱۴	۱۸	۳۴	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۱۱، ۲۸ نفر از ۵۰ نفر (۵۶٪) از افراد محیط های آموزشی نامناسب و فاسد را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۴۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue = 0/016$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت محیط های آموزشی نامناسب و فاسد عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۱۶ نفر از ۵۰ نفر (۳۲٪) از افراد سالم بهره گیری از محیط های آموزشی سالم را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۵۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue = 0/085$ حاکی از قبول فرضیه H_0 بوده. پس می توان گفت بهره گیری از محیط های آموزشی سالم عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار نمی آید.

جدول ۱۱: تاثیر محیط های آموزشی در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
0/016	۵۰	۱۳	۸	۱	۱۰	۱۸	تعداد	محیط های آموزشی نامناسب و فاسد
	۱۰۰	۲۶	۱۶	۲	۲۰	۳۶	درصد	
0/085	۵۰	۱۲	۱۴	۸	۷	۹	تعداد	بهره گیری از محیط های آموزشی سالم
	۱۰۰	۲۴	۲۸	۱۶	۱۴	۱۸	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۱۲، ۱۳ نفر از ۵۰ نفر (۲۶٪) از افراد مرز و فساد های ناشی از آن را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۷۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۴٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue = 0/97$ حاکی از قبول فرضیه H_0 بوده و می توان گفت مرز و فساد های ناشی از آن عامل موثری در گرایش به بزهکاری نمی باشد. ۹ نفر از ۵۰ نفر (۱۸٪) از افراد سالم عدم برخورداری از مفاسد ناشی از مرز را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۷۶٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue = 0/99$ حاکی از قبول فرضیه H_0 بوده. پس می توان گفت عدم برخورداری از مفاسد ناشی از مرز عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار نمی آید.

جدول ۱۲: تاثیر مرز در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
0/97	۵۰	۲۴	۱۱	۲	۶	۷	تعداد	مرز و فساد های ناشی از آن
	۱۰۰	۴۸	۲۲	۴	۱۲	۱۴	درصد	
0/99	۵۰	۱۵	۲۳	۳	۲	۷	تعداد	عدم برخورداری از مفاسد ناشی از مرز
	۱۰۰	۳۰	۴۶	۶	۴	۱۴	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۱۳، نفر از ۵۰ نفر (۸۲٪) از افراد ناسازگاری والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۱۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۸٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت ناسازگاری والدین عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۴۴ نفر از ۵۰ نفر (۸۸٪) از افراد سالم سازگاری والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۶٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت سازگاری والدین عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۱۳: تاثیر ناسازگاری و سازگاری والدین در بزهکاری یا عدم انحراف گرایي از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P -value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۰۰	۵۰	۰	۵	۴	۱۷	۲۴	تعداد	ناسازگاری والدین
	۱۰۰	۰	۱۰	۸	۳۴	۴۸	درصد	
۰/۰۰۰	۵۰	۰	۳	۳	۱۷	۲۷	تعداد	سالم سازگاری والدین
	۱۰۰	۰	۶	۶	۳۴	۵۴	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۱۴، ۴۳ نفر از ۵۰ نفر (۸۶٪) از افراد ترک یکی از والدین یا طلاق را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۱۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت ترک یکی از والدین یا طلاق عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۴۳ نفر از ۵۰ نفر (۸۶٪) از افراد سالم عدم ترک یکی از والدین و یا طلاق را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۰٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت عدم ترک یکی از والدین و یا طلاق عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۱۴: تاثیر ترک و طلاق و یا عدم وجود آن در بزهکاری یا عدم انحراف گرایي از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P -value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۰۰	۵۰	۳	۳	۱	۱۶	۲۷	تعداد	ترک یکی از والدین یا طلاق
	۱۰۰	۶	۶	۲	۳۲	۵۴	درصد	
۰/۰۰۰	۵۰	۱	۱	۵	۱۶	۲۷	تعداد	عدم ترک یکی از والدین و یا طلاق
	۱۰۰	۲	۲	۱۰	۳۲	۵۴	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۱۵، ۳۷ نفر از ۵۰ نفر (۷۴٪) از افراد تبعیض و کمبود محبت را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۱۶٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۰٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت تبعیض و کمبود محبت عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۳۹ نفر از ۵۰ نفر (۷۸٪) از افراد سالم عدم وجود تبعیض و کمبود محبت را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۸٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۴٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت عدم وجود تبعیض و کمبود محبت عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۱۵: تاثیر وجود و یا عدم وجود تبعیض و کمبود محبت در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۰۰	۵۰	۰	۸	۵	۱۴	۲۳	تعداد	بزهکار تبعیض و کمبود محبت
	۱۰۰	۰	۱۶	۱۰	۲۸	۴۶	درصد	
۰/۰۰۰	۵۰	۱	۳	۷	۱۴	۲۵	تعداد	سالم عدم وجود تبعیض و کمبود محبت
	۱۰۰	۲	۶	۱۴	۲۸	۵۰	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۱۶، ۴۲ نفر از ۵۰ نفر (۸۴٪) از افراد کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۱۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۴۶ نفر از ۵۰ نفر (۹۲٪) از افراد سالم عدم کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۴٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت عدم کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۱۶: تاثیر کاربرد و عدم کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۰۰	۵۰	۲	۵	۱	۱۵	۲۷	تعداد	بزهکار کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا
	۱۰۰	۴	۱۰	۲	۳۰	۵۴	درصد	
۰/۰۰۰	۵۰	۱	۱	۲	۲۰	۲۶	تعداد	سالم عدم کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا
	۱۰۰	۲	۲	۴	۴۰	۵۲	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۱۷، ۴۲ نفر از ۵۰ نفر (۸۴٪) از افراد وجود اختلال روانی در والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۱۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۴٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت وجود اختلال روانی در والدین عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۳۰ نفر از ۵۰ نفر (۶۰٪) از افراد سالم سلامت روانی والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۲۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/003$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت سلامت روانی والدین عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۱۷: تاثیر وجود و یا عدم وجود اختلالات روانی والدین در بزهکاری یا عدم انحراف گرایی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۰۰	۵۰	۳	۳	۲	۱۶	۲۶	تعداد	بزهکار وجود اختلال روانی در والدین
	۱۰۰	۶	۶	۴	۳۲	۵۲	درصد	
۰/۰۰۳	۵۰	۶	۶	۸	۸	۲۲	تعداد	سالم سلامت روانی والدین
	۱۰۰	۱۲	۱۲	۱۶	۱۶	۴۴	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۱۸، ۴۴ نفر از ۵۰ نفر (۸۸٪) از افراد فوت والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۱۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۰٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت فوت والدین عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۳۶ نفر از ۵۰ نفر (۷۲٪) از افراد سالم حضور والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۱۸٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۰٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت حضور والدین عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۱۸: تاثیر فوت و حضور والدین در بزهکاری یا عدم انحراف گرایشی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۰۰	۵۰	۲	۴	۰	۲۰	۲۴	تعداد	فوت والدین
	۱۰۰	۴	۸	۰	۴۰	۴۸	درصد	
۰/۰۰۰	۵۰	۴	۵	۵	۱۶	۲۰	تعداد	حضور والدین
	۱۰۰	۸	۱۰	۱۰	۳۲	۴۰	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۱۹، ۴۶ نفر از ۵۰ نفر (۹۲٪) از افراد اعتیاد والدین یا اعضای خانواده را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۴٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت اعتیاد والدین یا اعضای خانواده عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۴۲ نفر از ۵۰ نفر (۸۴٪) از افراد سالم عدم وجود اعتیاد اعضای خانواده را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۸٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۸٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت عدم وجود اعتیاد اعضای خانواده عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۱۹: تاثیر اعتیاد و عدم اعتیاد والدین در بزهکاری یا عدم انحراف گرایشی از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۰۰	۵۰	۱	۱	۲	۲۰	۲۶	تعداد	اعتیاد والدین یا اعضای خانواده
	۱۰۰	۲	۲	۴	۴۰	۵۲	درصد	
۰/۰۰۰	۵۰	۲	۲	۴	۱۰	۳۲	تعداد	عدم وجود اعتیاد اعضای خانواده
	۱۰۰	۴	۴	۸	۲۰	۶۴	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۲۰، ۳۱ نفر از ۵۰ نفر (۶۲٪) از افراد کم رنگ یا بی اهمیت شدن ارزش های دینی و اخلاقی خانواده را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۳۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/001$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت کم رنگ یا بی اهمیت شدن ارزش های دینی و اخلاقی خانواده عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۹ نفر از ۵۰ نفر (۵۸٪) از افراد سالم اعتقاد به ارزشهای دینی و اخلاقی را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۱۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۳۰٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/008$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت اعتقاد به ارزش های دینی و اخلاقی عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۲۰: تاثیر اعتقاد و بی اعتقادی به ارزشهای دینی و اخلاقی در بزهکاری یا عدم انحراف گرایي از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۰۱	۵۰	۵	۱۱	۳	۱۵	۱۶	تعداد	بزهکار کم رنگ یا بی اهمیت شدن ارزشهای دینی و اخلاقی خانواده
	۱۰۰	۱۰	۲۲	۶	۳۰	۳۲	درصد	
۰/۰۰۸	۵۰	۰	۶	۱۵	۹	۲۰	تعداد	سالم اعتقاد به ارزشهای دینی و اخلاقی
	۱۰۰	۰	۱۲	۳۰	۱۸	۴۰	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۲۱، ۴۷ نفر از ۵۰ نفر (۹۴٪) از افراد فاسد و تبهکار بودن اعضای خانواده را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت فاسد و تبهکار بودن اعضای خانواده عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۴۹ نفر از ۵۰ نفر (۹۸٪) از افراد سالم فاسد و تبهکار نبودن اعضای خانواده را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت فاسد و تبهکار نبودن اعضای خانواده عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۲۱: تاثیر فاسد و تبهکار بودن و نبودن اعضای خانواده در بزهکاری یا عدم انحراف گرایي از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۰۰	۵۰	۲	۰	۱	۱۳	۳۴	تعداد	بزهکار فاسد و تبهکار بودن اعضای خانواده
	۱۰۰	۴	۰	۲	۲۶	۶۸	درصد	
۰/۰۰۰	۵۰	۰	۰	۱	۱۸	۳۱	تعداد	سالم فاسد و تبهکار نبودن اعضای خانواده
	۱۰۰	۰	۰	۲	۳۶	۶۲	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۲۲، ۲۰ نفر از ۵۰ نفر (۴۰٪) از افراد عدم دسترسی والدین و فرزندان به رسانه های گروهی و اطلاعاتی مناسب را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۵۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۰٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/56$ حاکی از قبول فرضیه H_0 بوده و می توان گفت عدم دسترسی والدین و فرزندان به رسانه های گروهی و اطلاعاتی مناسب عامل موثری در گرایش به بزهکاری نمی باشد. ۲۲ نفر از ۵۰ نفر (۴۴٪) از افراد سالم فاسد و تبهکار نبودن اعضای خانواده را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۵۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/33$ حاکی از قبول فرضیه H_0 بوده و می توان گفت دسترسی والدین و فرزندان به رسانه های گروهی و اطلاعاتی مناسب عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار نمی آید.

جدول ۲۲: تاثیر رسانه ها در بزهکاری یا عدم انحراف گرایي از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۵۶	۵۰	۱۳	۱۲	۵	۱۰	۱۰	تعداد	بزهکار عدم دسترسی به رسانه های گروهی و اطلاعاتی مناسب
	۱۰۰	۲۶	۲۴	۱۰	۲۰	۲۰	درصد	
۰/۳۳	۵۰	۷	۱۸	۳	۹	۱۳	تعداد	سالم دسترسی به رسانه های گروهی و اطلاعاتی مناسب
	۱۰۰	۱۴	۳۶	۶	۱۸	۲۶	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۲۳، ۳۴ نفر از ۵۰ نفر (۶۸٪) از افراد استفاده خانواده از نشریات و کتب و فیلم های مبتذل را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۲۸٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۴٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/000$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت استفاده خانواده از نشریات و کتب و فیلم های مبتذل عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۷ نفر از ۵۰ نفر (۵۴٪) از افراد سالم استفاده از نشریات و وسایل ارتباط جمعی سالم را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۴۴٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/031$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت استفاده از نشریات و وسایل ارتباط جمعی سالم عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۲۳: تاثیر استفاده و عدم استفاده از نشریات و کتب و فیلم های مبتذل در بزهکاری یا عدم انحراف گرایي از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۰۰	۵۰	۸	۶	۲	۱۶	۱۸	تعداد	استفاده خانواده از کتب و فیلم های مبتذل
	۱۰۰	۱۶	۱۲	۴	۳۲	۳۶	درصد	
۰/۰۳۱	۵۰	۳	۱۹	۱	۱۰	۱۷	تعداد	استفاده از نشریات و وسایل ارتباط جمعی سالم
	۱۰۰	۶	۳۸	۲	۲۰	۳۴	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۲۴، ۳۱ نفر از ۵۰ نفر (۶۲٪) از افراد بی سواد والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۳۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۶٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/001$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت بی سواد والدین عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۰ نفر از ۵۰ نفر (۴۰٪) از افراد سالم عدم بی سواد والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۵۰٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۰٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/56$ حاکی از قبول فرضیه H_0 بوده و می توان گفت عدم بی سواد والدین عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار نمی آید.

جدول ۲۴: تاثیر سواد والدین در بزهکاری یا عدم انحراف گرایي از دیدگاه گروه بزهکار و سالم

P-value	جمع کل	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۰۱	۵۰	۷	۹	۳	۱۶	۱۵	تعداد	بی سواد والدین
	۱۰۰	۱۴	۱۸	۶	۳۲	۳۰	درصد	
۰/۵۶	۵۰	۳	۲۲	۵	۸	۱۲	تعداد	عدم بی سواد والدین
	۱۰۰	۶	۴۴	۱۰	۱۶	۲۴	درصد	

با توجه به یافته های جدول ۲۵، ۲۵ نفر از ۵۰ نفر (۵۰٪) از افراد تحصیلات کم والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۳۸٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۱۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/098$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت تحصیلات کم والدین عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. ۲۳ نفر از ۵۰ نفر (۴۶٪) از افراد سالم داشتن تحصیلات عالی والدین را به میزان بسیار زیاد و زیاد در عدم بزهکاری خود موثر دانسته اند. ۵۲٪ از افراد این عامل را به نسبت کم و بسیار کم موثر دانسته اند و ۲٪ از افراد این عامل را به نسبت متوسط موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $Pvalue=0/23$ حاکی از رد فرضیه H_0 بوده و می توان گفت داشتن تحصیلات عالی والدین عامل موثری در عدم گرایش به بزهکاری از سوی گروه شاهد یا سالم به شمار می آید.

جدول ۲۵: تاثیر تحصيلات والدين در بزهكاري يا عدم انحراف گرايي از ديدگاه گروه بزهكار و سالم

P-value	جمع كل	پاسخ					گروه	عوامل تأثير گذار
		بسيار كم	كم	متوسط	زياد	بسيار زياد		
۰/۰۹۸	۵۰	۷	۱۲	۶	۱۱	۱۴	تعداد	بزهكار تحصيلات كم والدين
	۱۰۰	۱۴	۲۴	۱۲	۲۲	۲۸	درصد	
۰/۲۳	۵۰	۸	۱۸	۱	۱۲	۱۱	تعداد	سالم داشتن تحصيلات عالي والدين
	۱۰۰	۱۶	۳۶	۲	۲۴	۲۲	درصد	

عوامل ذكر شده به ترتيب اولويت در عدم انحراف گرايي نوجوانان سالم به سوي بزهكاري موثر مي باشند. ۱- موقعيت و محيط سالم و بدور از آشفتگي و آلودگي خانواده ۷۹٪، ۲- عدم مهاجرت ۴۸٪، ۳- موقعيت اقتصادي ۴۷٪، ۴- نبود فقر فرهنگي ۴۶٪، ۵- محيط اجتماعي ۳۸٪.

۴.۸. آزمون فرضيه ها

الف) فرضيه اول: بين شرايط اقتصادي خانواده وگرايش اطفال و نوجوانان شهرستان خوي به سوي بزهكاري ارتباط وجود دارد(جدول ۲۶).

جدول ۲۶: آزمون فرضيه اول

P-value	پاسخ					گروه	عوامل تأثير گذار
	بسيار كم	كم	متوسط	زياد	بسيار زياد		
۰/۰۰۰	۵	۲	۲	۲۰	۲۱	تعداد	بزهكار پايين بودن سطح درآمد خانواده
	۱۰	۴	۴	۴۰	۴۲	درصد	
۰/۰۵۷	۱۱	۷	۶	۱۴	۱۲	تعداد	بزهكار فقدان يا كمبود امكانات رفاهي
	۲۲	۱۴	۱۲	۲۸	۲۴	درصد	
۰/۰۰۱	۸	۷	۳	۱۶	۱۶	تعداد	بزهكار عدم برخورداری نوجوان از پول توجيبی
	۱۶	۱۴	۶	۳۲	۳۲	درصد	
۰/۰۰۲	۸	۷	۶	۱۲	۱۷	تعداد	بزهكار شاغل بودن توام والدين
	۱۶	۱۴	۱۲	۲۴	۳۴	درصد	
۰/۹۹	۱۶	۹	۱۳	۸	۴	تعداد	بزهكار چند شغلي بودن پدر خانواده
	۳۲	۱۸	۲۶	۱۶	۸	درصد	

۸۲٪ از افراد بزهكار ميزان سطح در آمد خانواده ها را به ميزان بسيار زياد و زياد در بزهكاري خود موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله اي، مقدار $P\text{-value}=0.000$ حاكي از رد فرضيه H_0 بوده و نسبت افراد با پاسخ هاي زياد و خيلي زياد بيشتر از حد انتظار ۴۰٪ بوده و مي توان گفت پايين بودن سطح در آمد خانوار عامل موثري در گرايش به بزهكاري مي باشد.

۵۲٪ از افراد بزهكار فقدان يا كمبود امكانات رفاهي را به ميزان بسيار زياد و زياد در بزهكاري خود موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله اي، مقدار $P\text{-value}=0.057$ حاكي از رد فرضيه H_0 بوده و مي توان گفت فقدان يا كمبود امكانات رفاهي عامل موثري در گرايش به بزهكاري مي باشد.

۶۴٪ از افراد بزهكار ميزان عدم برخورداری نوجوان از پول توجيبی را به ميزان بسيار زياد و زياد در بزهكاري خود موثر دانسته اند با توجه به مقدار $p\text{-value}=0.001$ مي توان گفت عدم برخورداری نوجوان از پول توجيبی عامل موثر به حساب مي آيد.

۵۸٪ از نوجوانان بزهكار شاغل بودن توام والدين را در بزهكاري خود موثر دانسته اند با توجه به مقدار $p\text{-value}=0.002$ مي توان گفت اين عامل در بزهكاري آنها موثر مي باشد. پاسخ ۲۴٪ نوجوانان بزهكار به تأثير چند شغلي بودن والدين در بزهكاري آنها با $p\text{-value}=0.99$ نشاندهنده ي اين است كه اين عامل در بزهكاري آنها عامل موثري به حساب نمي آيد. در مجموع ۵۶٪ از بزهكاران معتقدند فقر اقتصادي يكي از دلايل انحراف گرايي آنها مي باشد. از اين رو مي توان نتيجه گرفت بين شرايط اقتصادي و گرايش نوجوانان شهرستان خوي به سوي بزهكاري ارتباط وجود دارد.

ب) فرضيه دوم: بين عوامل اجتماعي و گرايش نوجوانان شهرستان خوي به سوي بزهكاري ارتباط وجود دارد(جدول ۲۷).

جدول ۲۷: آزمون فرضیه دوم

P-value	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۰۰	۴	۷	۳	۱۷	۱۹	تعداد	مهاجرت از روستا به شهر
	۸	۱۴	۶	۳۴	۳۸	درصد	
۰/۳۳	۱۰	۱۰	۸	۱۱	۱۱	تعداد	سکونت نوجوان در شهرهای مهاجرنشین
	۲۰	۲۰	۱۶	۲۲	۲۲	درصد	
۰/۰۰۸	۹	۱۱	۱	۱۳	۱۶	تعداد	انتقال پدر و مهاجرت بخاطر کسب مسائل شغلی
	۱۸	۲۲	۲	۲۶	۳۲	درصد	
۰/۰۰۰	۰	۳	۰	۲۱	۲۶	تعداد	معاشرت نوجوان با افراد ناباب و منحرف
	۰	۶	۰	۴۲	۵۲	درصد	
۰/۰۰۰	۳	۵	۱	۱۶	۲۵	تعداد	رسانه های گروهی و وسایل ارتباط جمعی آلوده
	۶	۱۰	۲	۳۲	۵۰	درصد	
۰/۰۱۶	۱۳	۸	۱	۱۰	۱۸	تعداد	محیط های آموزشی نامناسب و فاسد
	۲۶	۱۶	۲	۲۰	۳۶	درصد	
۰/۹۷	۲۴	۱۱	۲	۶	۷	تعداد	مرز و فساد های ناشی از آن
	۴۸	۲۲	۴	۱۲	۱۴	درصد	
۰/۰۰۰	۰	۵	۴	۱۷	۲۴	تعداد	ناسازگاری والدین
	۰	۱۰	۸	۳۴	۴۸	درصد	
۰/۰۰۰	۳	۳	۱	۱۶	۲۷	تعداد	ترک یکی از والدین یا طلاق
	۶	۶	۲	۳۲	۵۴	درصد	
۰/۰۰۰	۰	۸	۵	۱۴	۲۳	تعداد	تبعض و کمبود محبت
	۰	۱۶	۱۰	۲۸	۴۶	درصد	

ادامه جدول ۲۷: آزمون فرضیه دوم

P-value	پاسخ					گروه	عوامل تاثیر گذار
	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۰/۰۰۰	۲	۵	۱	۱۵	۲۷	تعداد	کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا
	۴	۱۰	۲	۳۰	۵۴	درصد	
۰/۰۰۰	۳	۳	۲	۱۶	۲۶	تعداد	وجود اختلال روانی در والدین
	۶	۶	۴	۳۲	۵۲	درصد	
۰/۰۰۰	۲	۴	۰	۲۰	۲۴	تعداد	فوت والدین
	۴	۸	۰	۴۰	۴۸	درصد	
۰/۰۰۰	۱	۱	۲	۲۰	۲۶	تعداد	اعتیاد والدین یا اعضای خانواده
	۲	۲	۴	۴۰	۵۲	درصد	
۰/۰۰۱	۵	۱۱	۳	۱۵	۱۶	تعداد	کم رنگ یا بی اهمیت شدن ارزشهای دینی و اخلاقی خانواده
	۱۰	۲۲	۶	۳۰	۳۲	درصد	
۰/۰۰۰	۲	۰	۱	۱۳	۳۴	تعداد	فاسد و تبهکار بودن اعضای خانواده
	۴	۰	۲	۲۶	۶۸	درصد	
۰/۵۶	۱۳	۱۲	۵	۱۰	۱۰	تعداد	عدم دسترسی والدین و فرزندان به رسانه های گروهی و اطلاعاتی
	۲۶	۲۴	۱۰	۲۰	۲۰	درصد	
۰/۰۰۰	۸	۶	۲	۱۶	۱۸	تعداد	استفاده خانواده از نشریات و کتب و فیلمهای مبتذل
	۱۶	۱۲	۴	۳۲	۳۶	درصد	
۰/۰۰۱	۷	۹	۳	۱۶	۱۵	تعداد	بی سوادی والدین
	۱۴	۱۸	۶	۳۲	۳۰	درصد	
۰/۰۹۸	۷	۱۲	۶	۱۱	۱۴	تعداد	تحصیلات کم والدین
	۱۴	۲۴	۱۲	۲۲	۲۸	درصد	

۷۲٪ از بزهکاران با $p\text{-value}=0/000$ مهاجرت از شهر به روستا را در بزهکاری خود موثر دانسته اند. با توجه به نتیجه ی فوق مهاجرت از شهر به روستا عامل موثری در بزهکاری می باشد. ۴۴٪ از بزهکاران با $p\text{-value}=0/33$ سکونت در شهرهای مهاجر نشین را به عنوان عامل موثر بر بزهکاری خود عنوان کرده اند. با توجه به نتیجه ی فوق سکونت در شهرهای مهاجر نشین عامل موثری در گرایش به بزهکاری می باشد. با توجه به پاسخ نوجوانان بزهکار ۵۸٪ با $p\text{-value}=0/008$ در خصوص انتقال پدر و مهاجرت به خاطر کسب مسائل شغلی می توان گفت این عامل نقش موثری را در بزهکاری نوجوانان شهرستان خوی ایفا می کند.

با توجه به پاسخ مثبت ۹۴٪ نوجوانان بزهکار شهرستان خوی در خصوص تاثیر معاشرت با افراد ناباب و منحرف بر بزهکاری با $p\text{-value}=0/000$ می توان گفت این عامل نقش موثری را در بزهکاری ایفا می کند. پاسخ مثبت ۸۲٪ نوجوانان بزهکار با $p\text{-value}=0/000$ نشان دهنده ی این است که رسانه های گروهی و وسایل ارتباط جمعی آلوده نقش موثری را در بزهکاری ایفا می کنند. پاسخ ۵۶٪ از نوجوانان بزهکار با $p\text{-value}=0/016$ در خصوص تاثیر محیط های آموزشی نامناسب و فاسد، نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد. ۲۶٪ از افراد بزهکار مرز و فساد های ناشی از آن را به میزان بسیار زیاد و زیاد در بزهکاری خود موثر دانسته اند. با استفاده از آزمون دو جمله ای، مقدار $P\text{-value}=0/97$ حاکی از قبول فرضیه H_0 بوده و می توان گفت مرز و فساد های ناشی از آن عامل موثری در گرایش به بزهکاری نمی باشد.

۸۲٪ از نوجوانان بزهکار معتقدند که ناسازگاری والدین نقش موثری را در بزهکاری ایفا می کند با توجه به $p\text{-value}=0/000$ می توان گفت این عامل نقش موثری در بزهکاری نوجوانان خویی ایفا می کند. پاسخ مثبت ۸۶٪ از نوجوانان بزهکار با $p\text{-value}=0/000$ نشان دهنده نقش موثر ترک یکی از والدین یا طلاق در بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۷۴٪ از بزهکاران، با $p\text{-value}=0/000$ در خصوص تاثیر وجود تبعیض و کمبود محبت نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۸۴٪ از بزهکاران با $p\text{-value}=0/000$ در خصوص تاثیر کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۸۴٪ از بزهکاران و با $p\text{-value}=0/000$ در خصوص تاثیر وجود اختلالات روانی والدین نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد. پاسخ

مثبت ۸۸٪ از بزهکاران با $p\text{-value}=0/000$ در خصوص تاثیر فوت والدین نشاندهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۹۲٪ از بزهکاران با $p\text{-value}=0/000$ در خصوص تاثیر وجود اعتیاد اعضای خانواده نشاندهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۶۲٪ از بزهکاران با $p\text{-value}=0/001$ در خصوص تاثیر کم رنگ یا بی اهمیت شدن ارزش های دینی و اخلاقی خانواده نشاندهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۹۴٪ از بزهکاران با $p\text{-value}=0/000$ در خصوص تاثیر فاسد و تبهکار بودن اعضای خانواده نشاندهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد.

پاسخ مثبت ۴۰٪ از بزهکاران با $p\text{-value}=0/056$ در خصوص تاثیر عدم دسترسی والدین و فرزندان به رسانه های گروهی و اطلاعاتی مناسب نشاندهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری نمی باشد. پاسخ مثبت ۶۸٪ از بزهکاران با $p\text{-value}=0/000$ در خصوص تاثیر استفاده خانواده از نشریات و کتب و فیلم های مبتذل نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۶۲٪ از بزهکاران با $p\text{-value}=0/001$ در خصوص تاثیر بی سوادی نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۵۰٪ از بزهکاران با $p\text{-value}=0/098$ در خصوص تاثیر بی سوادی والدین، نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر بزهکاری می باشد

(و) فرضیه سوم: محیط سالم و بدور از هر گونه فساد و آشفتگی و... خانواده می تواند مانعی در مقابل انحراف گرایی اطفال و نوجوانان شهرستان خوی باشد (جدول ۲۸).

جدول ۲۸: آزمون فرضیه دوم

P-value	پاسخ					تعداد	گروه	عوامل تاثیر گذار
	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد			
۰/۰۰۰	۰	۳	۳	۱۷	۲۷	تعداد	سالم	سازگاری والدین
	۰	۶	۶	۳۴	۵۴	درصد		
۰/۰۰۰	۱	۱	۵	۱۶	۲۷	تعداد	سالم	عدم ترک یکی از والدین و یا طلاق
	۲	۲	۱۰	۳۲	۵۴	درصد		
۰/۰۰۰	۱	۳	۷	۱۴	۲۵	تعداد	سالم	عدم وجود تبعیض و کمبود محبت
	۲	۶	۱۴	۲۸	۵۰	درصد		
۰/۰۰۰	۱	۱	۲	۲۰	۲۶	تعداد	سالم	عدم کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا
	۲	۲	۴	۴۰	۵۲	درصد		
۰/۰۰۳	۶	۶	۸	۸	۲۲	تعداد	سالم	سلامت روانی والدین
	۱۲	۱۲	۱۶	۱۶	۴۴	درصد		
۰/۰۰۰	۴	۵	۵	۱۶	۲۰	تعداد	سالم	حضور والدین
	۸	۱۰	۱۰	۳۲	۴۰	درصد		
۰/۰۰۰	۲	۲	۴	۱۰	۳۲	تعداد	سالم	عدم وجود اعتیاد اعضای خانواده
	۴	۴	۸	۲۰	۶۴	درصد		
۰/۰۰۸	۰	۶	۱۵	۹	۲۰	تعداد	سالم	اعتقاد به ارزشهای دینی و اخلاقی
	۰	۱۲	۳۰	۱۸	۴۰	درصد		
۰/۰۰۰	۰	۰	۱	۱۸	۳۱	تعداد	سالم	فاسد و تبهکار نبودن اعضای خانواده
	۰	۰	۲	۳۶	۶۲	درصد		

۸۸٪ نوجوانان سالم معتقدند سازگاری والدین نقش موثری در عدم بزهکاری دارد با توجه به $p\text{-value}=0/000$ می توان گفت این عامل نقش موثری در عدم بزهکاری ایفا می کند. پاسخ مثبت ۸۶٪ نوجوانان سالم با $p\text{-value}=0/000$ نشان دهنده ی نقش موثر عدم ترک والدین و یا طلاق در عدم انحراف گرایی می باشد. پاسخ مثبت ۷۸٪ از نوجوانان سالم با $p\text{-value}=0/000$ در خصوص تاثیر عدم وجود تبعیض و کمبود محبت نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر عدم بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۹۲٪ از نوجوانان سالم با $p\text{-value}=0/000$ در خصوص تاثیر عدم کاربرد شیوه های تربیتی آسیب زا نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر عدم بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۶۰٪ از نوجوانان سالم با $p\text{-value}=0/003$ در خصوص تاثیر عدم وجود اختلالات روانی والدین نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر عدم بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۷۲٪ از نوجوانان سالم با $p\text{-value}=0/000$ در خصوص تاثیر در قید حیات بودن والدین نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر عدم بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۸۴٪ از نوجوانان سالم با $p\text{-value}=0/000$ در خصوص تاثیر عدم

وجود اعتیاد اعضای خانواده نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر عدم بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۵۸٪ از نوجوانان سالم با $p=0/008$ value= در خصوص تاثیر کم رنگ یا بی اهمیت نشدن ارزش های دینی و اخلاقی خانواده نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر عدم بزهکاری می باشد. پاسخ مثبت ۹۸٪ از نوجوانان سالم با $p\text{-value}=0/000$ در خصوص تاثیر فاسد و تبهکار نبودن اعضای خانواده نشان دهنده ی نقش موثر این عامل بر عدم بزهکاری می باشد.

۹. سپاسگزاری

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده با عنوان (بررسی دلایل جرم گرایی اطفال و نوجوانان شهرستان خوی و نقش خانواده به عنوان مانع بزهکاری در شهرستان خوی) است که با راهنمایی استاد دکتر عادل ساریخانی و استاد مشاور دکتر ابوالفتح خالقی در دانشکده آموزش های الکترونیکی دانشگاه قم در زمستان ۱۳۹۱ دفاع شده است. که از همه اساتید محترم و تمامی مصاحبه شوندگان کمال تشکر و قدردانی را می نمایم.

۱۰. نتیجه گیری

مهم ترین علت گرایش اطفال و نوجوانان شهرستان خوی به سوی جرم و بزهکاری ریشه در خانواده های آنها دارد. ۸۲٪ از بزهکاران شهرستان خوی یکی از دلایل انحراف گرایی خود را خانواده خویش معرفی کرده اند. این افراد با متاثر شدن از شرایط و اوضاع و احوال نامساعد، آشفته و فاسد خانواده هایشان به سوی بزهکاری کشیده شده اند. بی مهری ها و بی توجهی ها در نتیجه ی دست و پنجه نرم کردن خانواده ها با مشکلات خانوادگی، اجتماعی و... اعمال رفتارهای تبعیض آمیز در نتیجه ی وجود افکار و عقاید نادرست و عدم مقبولیت جنسی و رفتاری فرزند، نازپروری و بخشیدن آزادی های مطلق به فرزندان، به کارگیری رفتارهای مستبدانه و پرخاشگرانه و به کارگیری غیر اخلاقی ترین روش ها در مقابل کوچکترین اشتباهات فرزندان از ضرب و شتم گرفته تا محرومیت از خوردن و آشامیدن، فساد اخلاقی اعضای خانواده همچون، برقراری روابط نامشروع آنها با افراد بیگانه در مقابل دیدگان کودکان، اغفال، تحریک، ترغیب و تهدید اطفال و نوجوانان توسط اعضای منحرف خانواده به منظور انحراف گرایی، زندگی در خانواده های جرم گرا و تبهکار، مشاهده ی ناسازگاری ها، داد و فریاد ها، ضرب و شتم ها، خیانت ها، بی سرپرستی، ازدواج مجدد والدین و بروز مشکلات جسمی و روحی، اشتغال به کار والدین و به فراموشی سپردن فرزندانشان در نتیجه مواجه شدن با مشکلات گوناگون، کثرت جمعیت خانواده و سرو صدا ها و محرومیت از داشتن کوچکترین امکانات رفاهی، اعتیاد اعضای خانواده و حتی خود کودکان همه و همه اطفال و نوجوانان شهرستان خوی را وادار به انجام اعمال نادرست از فرار از منزل گرفته تا گرایش به انجام اعمال بزهکارانه می کنند. محیط های اجتماعی آلوده ی شهرستان خوی با ۶۴٪ دومین دلیل بزهکاری اطفال و نوجوانان این شهر می باشد. ۵۸٪ از بزهکاران مهاجرت را به عنوان دلیل بزهکاری خود عنوان کرده اند. فقر فرهنگی خانواده ها ی شهرستان خوی نیز بی تاثیر در انحراف گرایی آنها نمی باشد. فقر و بیکاری در نتیجه ی بسته شدن و به تعطیلی کشیده شدن کارگاه ها و کارخانه ها در نتیجه ی رکودهای اقتصادی، بی کیفیت بودن کالاهای تولیدی و نبود بازار فروش و همچنین وجود تورم و متحمل خسارت شدن جمع زیادی از کشاورزان در نتیجه ی نزول بلایای طبیعی و عدم و یا حمایت های ناچیز دولت از آنها، برخی از خانواده ها را با شرایط نامناسب اقتصادی مواجه و آنها را مجبور به انحراف گرایی به منظور مبارزه با فقر خانواده هایشان می کند. خانواده های سالم این شهر می دانند، این وظیفه ی خانواده ها و بالاحص والدین می باشد که زمینه ها و شرایط مناسب برای فرزندانشان را به منظور علاقه مند ساختن و تشویق کردن آنها به تحصیل و جلوگیری از رویارویی آنها با خطرات و انحرافات احتمالی را فراهم سازند. هرگز نسبت به رفع خواسته های مادی و معنوی فرزندانشان بی توجه نمی شوند. و متناسب با قدرت و توان مالی خویش در جهت رفع نیازهای معنوی خود از طریق مسافرت و تفریح اقدام می کنند.

مراجع

- [1] عاشرزاده، حامد؛ (۱۳۹۱)، مشاور خانواده، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۱/۴/۶
- [2] ولیزادگان، جواد؛ (۱۳۹۱)، مشاور خانواده، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۱/۳/۱۷
- [3] عمید، حسن؛ (۱۳۵۱)، فرهنگ عمید، تهران، نشر جاویدان، ص ۷۹۸.
- [4] به پژوه، احمد؛ (۱۳۷۶)، اصول برقراری رابطه ی انسانی با کودک و نوجوان، چ ۳، تهران، نشر رویش، ص ۳۴.
- [5] گیل، لیندن فیلد؛ (۱۳۸۳)، اعتماد به نفس در نوجوانان، ترجمه: توران دخت تمدن، تهران، انتشارات نقش و نگار، ص ۷۲.
- [6] صفوی، امان الله؛ (۱۳۶۴)، پدیده های جنایی در غرب و مسائل نوجوانی، تهران: انتشارات کبیر، ص ۳۱.
- [7] سادات، محمد علی؛ (۱۳۷۵)، رفتار والدین با فرزند، چ ۴، تهران، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی، ص ۵۱.
- [8] اندن، استوبر؛ (۱۳۷۶)، مروری بر حقوق جزای انگلستان، ترجمه و توضیحات: دکتر حسین میرمحمد صادقی، نشر حقوقدان، ص ۱۱۲.
- [9] نیکزاد، محمود و همکاران؛ (۱۳۷۹)، اصول نظریه های تربیتی، انتشارات ققنوس، ص ۵۱.
- [10] معین، محمد؛ (۱۳۸۷)، فرهنگ معین، چاپ ۱۴، تهران، انتشارات معین، ص ۴۷۸.
- [11] www.saeidstar.blogfa.com
- [12] بستان نجفی، حسین؛ (۱۳۸۹)، اسلام و جامعه شناسی خانواده، چ ۵، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ص ۴۶.
- [13] ساروخانی، باقر؛ (۱۳۷۰)، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، چ ۱، تهران، انتشارات سروش، ص ۱۳۶.
- [14] کریمی، محمد؛ (۱۳۹۱)، مشاور خانواده، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۱/۳/۲۱
- [15] مظفری، علی؛ (۱۳۹۱)، مددکار اجتماعی، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۱/۲/۱۴
- [16] www.Dad set ani.ir
- [17] بروسان، م؛ (۱۳۹۱)، معاون کانون اصلاح و تربیت، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۱/۲/۵